EVERYDAY ENGLISH · SCENARIO-BASED CONVERSATIONS

CHAPTER 01 / 08

برنامه‌ریزی برای یک روز تعطیل

Making Plans for the Day

موقعیت: ساعت ۹ صبح شنبه است. اِما به دوستش جیمز زنگ می‌زند تا درباره برنامه‌های امروز صحبت کنند.

ENGLISH CONVERSATION

Emma: Hey, James! Good morning. Did I wake you up?

James: Hey, Emma! No, don't worry. I've been awake for about half an hour.

Emma: Great! How are you doing today?

James: Pretty good, actually. I finally got a good night's sleep. What about you?

Emma: I'm doing well, but I have a few things to take care of today.

James: Oh, really? What do you need to do?

Emma: I need to buy some groceries, pick up a package, and get a birthday present for my sister.

James: Sounds like a busy day! Do you want some company?

Emma: That would be great! Are you sure you're not busy?

James: Not at all. I was just planning to stay home and watch a movie.

Emma: Well, we could grab breakfast together before we go shopping.

James: I like that idea. There's a nice café near the shopping centre.

Emma: Perfect! What time should we meet?

James: How about ten thirty? That gives me enough time to get ready.

Emma: Works for me. Should we meet outside the café?

James: Sure. Can you send me the address?

Emma: Of course. I'll text it to you right now.

James: Thanks! By the way, what's the weather like outside?

Emma: It's a little cloudy, but it isn't raining. You might want to bring a light jacket.

James: Good idea. I'll see you in about an hour and a half.

Emma: See you soon! Don't be late!

James: I'll do my best!

GO2TRain

ترجمه فارسی مکالمه

(اِما: سلام جیمز! صبح بخیر. بیدارت کردم؟

جیمز: سلام اِما! نه، نگران نباش. حدود نیم ساعت است که بیدارم.

اِما: عالیه! امروز حالت چطوره؟

جیمز: راستش خیلی خوبم. بالاخره دیشب خوب خوابیدم. تو چطوری؟

اِما: من هم خوبم، ولی امروز چند تا کار دارم که باید انجام بدهم.

جیمز: واقعاً؟ چه کارهایی باید انجام بدهی؟

اِما: باید مقداری مواد غذایی بخرم، یک بسته تحویل بگیرم و برای خواهرم هدیه تولد بخرم.

جیمز: به نظر می‌رسد روز شلوغی داشته باشی! دوست داری همراهت بیایم؟

اِما: عالی می‌شود! مطمئنی سرت شلوغ نیست؟

جیمز: اصلاً. فقط برنامه داشتم در خانه بمانم و فیلم تماشا کنم.

اِما: خب، می‌توانیم قبل از خرید با هم صبحانه بخوریم.

جیمز: از این پیشنهاد خوشم آمد. یک کافه خوب نزدیک مرکز خرید هست.

اِما: عالیه! چه ساعتی همدیگر را ببینیم؟

جیمز: ساعت ده و نیم چطوره؟ این‌طوری وقت کافی دارم که آماده شوم.

اِما: برای من مناسبه. جلوی کافه همدیگر را ببینیم؟

جیمز: حتماً. می‌توانی آدرس را برایم بفرستی؟

اِما: البته. همین الان برایت پیام می‌فرستم.

جیمز: ممنون! راستی، هوای بیرون چطوره؟

اِما: کمی ابری است، ولی باران نمی‌بارد. بهتر است یک ژاکت سبک همراهت بیاوری.

جیمز: فکر خوبیه. حدود یک ساعت و نیم دیگر می‌بینمت.

اِما: به‌زودی می‌بینمت! دیر نکنی!

جیمز: تمام تلاشم را می‌کنم!)

GO2TRain